

## متن پژوهی حدیث «الْتَمَسْتُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْحَارِطِ لِلْقَتَادِ»، ناظر به سختی دین داری در دوران غیبت

علی ربانی<sup>۱</sup>

### چکیده

روایات غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در کتاب کافی با روایتی که در صدد بیان دشواری دین داری است، آغاز می‌شود. آغازین قرار گرفتن، گویای اهمیت و ضرورت پردازش موضوع مطرح شده در این روایت است. بررسی زوایای تشبیه به کار رفته در روایت و تبیین راهکار برون رفت از آسیب‌هایی که متوجه دین داری در دوران غیبت است؛ از ویژگی‌های متن حاضر است. متن پژوهی کمک می‌کند بعد از تبیین صحیح روایت، راهکار رعایت تقوا و تمسک به دین که در این روایت بیان شده است، با نمونه‌های مشابه از دیگر روایات مقایسه شود.

**واژگان کلیدی:** سختی دین داری، خرط قتاد، تمسک به دین، تقوا، عصر غیبت.

## مقدمه

یکی از زیر مجموعه‌های بحث مهدویت از منظر شیعه، موضوع «غیبت» است. ارتباط این موضوع با مهدویت به قدری است که برخی از مولفان، کتاب مستقل خود را در موضوع مهدویت، به «الغیبة» عنوان داده‌اند. کلینی در الکافی یک باب با عنوان «باب الغیبة» را به این موضوع اختصاص داده است. ایشان در این باب ۳۱ حدیث ذکر می‌کند که برخی از آن‌ها تکراری است. چینش روایات این باب توسط کلینی با ضابطه‌ای خاص صورت گرفته است. اولین حدیث این باب از مهم‌ترین چالش دوران غیبت خبر می‌دهد.

ضروری‌ترین سخن در آغاز بحث غیبت، توجه مخاطب به آسیب‌های این دوران است. این آسیب‌ها سبب سخت شدن دین داری در زمان غیبت می‌شود. صحبت از سختی‌های این زمان، انگیزه‌ای ایجاد می‌کند تا به راهکارهای معصومان علیهم‌السلام برای برون رفت از این آسیب‌ها بیش‌تر توجه شود. به نظر می‌رسد انگیزه کلینی از اول باب قرار دادن این حدیث، بیان این مهم با رویکرد آسیب شناسی باشد.

پژوهش حاضر به متن پژوهی این حدیث اختصاص یافته است. متن پژوهی مراحل دارد که از جمله آن‌ها مآخذشناسی، بررسی اختلافات متنی روایت، اعتبار سنجی و از همه مهم‌تر، تحلیل محتوایی با استفاده از روایات مشابه است. ثمره این متن پژوهی، تبیین روایت با کمک روایات مشابه است.

## متن حدیث

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّيرَفِيِّ عَنِ صَالِحِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَمَانَ التَّمَارِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُلُوساً فَقَالَ لَنَا إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْحَارِطِ لِلْقَتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيُّكُمْ يُمَسِّكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيّاً ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ؛<sup>۱</sup> یمان تمار گفت: خدمت امام صادق علیه السلام نشستیم بودیم، حضرت به ما فرمود: «برای صاحب این امر غیبتی است، هر که در آن زمان دینش را نگه دارد، مانند کسی است که شاخه پُر از خار و تیغ درخت قتاد را با

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱.

دستش صاف و تهی از خار می‌کند.» سپس با دستش این کار را تصویر کرد [و در ادامه فرمود: «کدام یک از شما می‌تواند خار آن درخت را به دستش نگه دارد؟» آن گاه مدتی دراز سر به زیر انداخت و دوباره فرمود: «برای صاحب این امر، غیبتی است. هر بنده‌ای باید از خدا پروا کند و دین خود را محکم نگه دارد.»

## منابع

کلینی در الکافی،<sup>۱</sup> نعمانی در الغیبة،<sup>۲</sup> شیخ صدوق در کمال الدین،<sup>۳</sup> مسعودی در اثبات الوصیة،<sup>۴</sup> شیخ طوسی در الغیبة<sup>۵</sup> و ابوالصلاح حلبی در تقریب المعارف<sup>۶</sup> این روایت را ذکر کرده‌اند. مجلسی در بحار الأنوار روایت را از کمال الدین و الغیبة نعمانی نقل می‌کند.<sup>۷</sup> معجم احادیث الامام المهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ این حدیث را منبع‌شناسی کرده است.<sup>۸</sup>

## اختلاف نسخه‌ها

منابع روایی، متن حدیث را با تفاوت‌هایی گزارش کرده‌اند. برخی از اختلاف نقل‌های مهم حدیث در جدول زیر نمایش داده شده است:

نسخه بدل‌ها	متن اصلی
إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، «الممسك» (الکافی)، چاپ دارالحدیث، ج ۲، ص ۱۴۴، پاورقی حدیث (۱)	إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، الْمُمْسِكِ
كَالْحَارِطِ لِلْقَتَادِ (طوسی، الغیبة، ص ۴۵۵)	كَالْحَارِطِ لِلْقَتَادِ ---
كَالْحَارِطِ لِشَوْكِ الْقَتَادِ بِيَدِهِ (نعمانی، الغیبة،	كَالْحَارِطِ --- لِلْقَتَادِ ---

۱. همان.
۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۶۹، ح ۱۱.
۳. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۷.
۴. مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۲۶۸.
۵. طوسی، الغیبة، ص ۴۵۵.
۶. حلبی، تقریب المعارف، ص ۴۳۲، ح ۲.
۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱، ح ۲۱ و ص ۱۳۵، ح ۳۹.
۸. موسسه معارف اسلامی، معجم احادیث الإمام المهدي، ج ۵، ص ۴۹.

متن اصلی	نسخه بدلها
	ص ۱۶۹، ح (۱)
كَالْحَارِطِ لِقَتَادٍ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيْكُمْ يُنْسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا	كَالْحَارِطِ لَشَوْكِ الْقَتَادِ بِيَدِهِ --- ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا (نعمانی، الغيبة، ص ۱۶۹، ح ۱۱)
ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيْكُمْ يُنْسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا	ثُمَّ أَوْمَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> بِيَدِهِ هَكَذَا قَالَ فَأَيْكُمْ تُنْسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵، ح ۳۹)
ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيْكُمْ يُنْسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا وَ لِيَتَمَسَّكَ بِيَدِيهِ	ثُمَّ قَالَ وَ مِنْ يَطِيقُ خُرْطَ الْقَتَادِ (اثبات الوصية، ص ۲۶۷)
فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا ---	فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ عِنْدَ غَيْبَتِهِ (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵، ح ۳۹)

با دقت در نقل‌های مختلف و مقایسه آن‌ها روشن می‌شود کتاب کافی، گویاترین متن این حدیث را در دسترس قرار می‌دهد.

### اعتبارسنجی

هر چند کلینی، نعمانی، صدوق و شیخ طوسی همگی گزارش خود از سند روایت را ارائه کرده‌اند؛<sup>۱</sup> دو راوی منتهی به امام علیه السلام در همه این اسناد، مشترک هستند. بررسی راویان مشترک، وضعیت اعتبار سایر اسناد را مشخص می‌کند. از این رو به ارزیابی سند کلینی که حدیث را با سند متصل زیر گزارش می‌کند، بسنده می‌شود:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّيرَفِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ يَمَانَ التَّمَارِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

**محمد بن یحیی:** مراد از این راوی، ابوجعفر، محمد بن یحیی العطار قمی، از محدثان و بزرگان اصحاب در قم و استاد بدون واسطه کلینی است که در کتاب‌های رجال با عباراتی چون

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۱۶۹، ح ۱۱؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۷ و طوسی، الغيبة، ص ۴۵۵.

«شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث» وصف شده است.<sup>۱</sup>

**الحسن بن محمد:** در طبقه اول سند، علاوه بر محمد بن یحیی، راوی دیگری به نام حسن بن محمد آمده است. به نظر می‌رسد حسن بن محمد، تصحیف **حسین بن محمد بن عامر اشعری** است؛ زیرا از طرفی برای کلینی استادی با نام حسن بن محمد ذکر نشده است و در مقابل، در ابتدای اسناد کافی، بالغ بر هشتصد روایت از حسین بن محمد بن عامر، ثبت شده است؛ علاوه بر این که وی میراث روایی جعفر بن محمد الکوفی را که راوی بعدی در این سند است، به کلینی انتقال داده است.<sup>۲</sup>

نجاشی وی را با عبارت «الحسین بن محمد بن عمران بن ابی بکر الأشعری القمی ابو عبدالله» معرفی و ایشان را با واژه «ثقة» وصف می‌کند.<sup>۳</sup>

**جعفر بن محمد الکوفی:** او همان جعفر بن محمد بن مالک فزاری است که در مورد شخصیتش در میان متقدمان دو نظریه متفاوت وجود دارد:

ابن غضائری در مورد وی می‌نویسد: او دروغگو و همه احادیثش ترک شده است. از جنبه مذهب غالی است. از مجاهیل و ضعفا روایت نقل کرده و همه عیب‌های روایان ضعیف در او جمع بوده است.<sup>۴</sup>

نجاشی می‌گوید: او در حدیث ضعیف است ... و تعجب است که چرا افراد جلیل‌القدری مثل محمد بن همام و ابوغالب ززاری از او روایت نقل کرده‌اند.<sup>۵</sup> او از جمله افراد استثنا شده از رجال کتاب نوادر الحکمه است که ابن ولید نقل روایات او را اجازه نمی‌دهد.<sup>۶</sup>

---

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۵۳، ش ۹۵۶ و طوسی، رجال، ص ۴۳۹.  
 ۲. نجاشی، رجال، ص ۶۶، ش ۱۵۶ و شبیری زنجانی، توضیح الأسناد المشکلة فی الکتب الأربعة، أسناد الکافی، ج ۲، ص ۲۲۶.  
 ۳. نجاشی، رجال، ص ۶۶، ش ۱۵۶.  
 ۴. «کذاب متروک الحدیث جملة و فی مذهبه ارتفاع و یروی عن الضعفاء و المجاهیل و کل عیوب الضعفاء مجتمعة فیہ» (ابن الغضائری، رجال، ج ۱، ص ۴۸).  
 ۵. «کان ضعیفا فی الحدیث... و لا أدری کیف روی عنه شیخنا النبیل الثقة أبو علی بن همام و شیخنا الجلیل الثقة أبو غالب الزراری رحمهما الله» (نجاشی، رجال، ص ۱۲۲).  
 ۶. همان، ص ۳۴۸.

در مقابل شیخ طوسی ضمن اشاره به تضعیف وی از سوی گروهی از رجالیان به دلیل نقل روایات عجیب تولد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریک؛ او را توثیق می‌کند<sup>۱</sup> و علامه حلی راه توقف در عمل به روایات او را در پیش می‌گیرد.<sup>۲</sup>

## بررسی توثیقات

اول: شیخ طوسی او را در کتاب الرجال توثیق کرده است.<sup>۳</sup> آنچه قول به وثاقت فزاری را به شدت تقویت می‌کند، خوش‌نامی او در میان مباحثان اوست. ابوالقاسم علی بن احمد کوفی از معاصران وی، در کتاب الاستغاثه، به صراحت فزاری را توثیق کرده است.<sup>۴</sup> گرچه ابوالقاسم کوفی در اواخر حیات خود به غلو گرایید و همین امر باعث شد نجاشی وی را ضعیف شمارد<sup>۵</sup>؛ به تصریح افندی در ریاض العلماء<sup>۶</sup> و خوانساری در روضات الجنات<sup>۷</sup> و محدث نوری در خاتمه مستدرک<sup>۸</sup>؛ وی کتاب الاستغاثه را در دوران استقامت و بصیرت خود نوشته است.

دوم: کثرت روایت اجلا، دلیلی است که اجمالاً بر وثاقت فزاری دلالت دارد. همان طور که نجاشی گفته است ابوغالب زراری و ابوعلی اسکافی از جعفر ابن محمد ابن مالک روایت داشته اند.<sup>۹</sup> جوامع اولیه حدیث مانند الکافی<sup>۱۰</sup> من لایحضره الفقیه<sup>۱۱</sup> تهذیب الاحکام<sup>۱۲</sup> و الاستبصار<sup>۱۳</sup>؛ بی استثنا روایات فزاری را نقل کرده‌اند.

۱. «کوفی ثقة و یضعفه قوم روی فی مولد القائم أعاجیب» (طوسی، الرجال، ص ۴۱۸، ش ۶۰۳۷).

۲. «فعندی فی حدیثه توقف و لأعمل بروایته» (حلی، رجال، ص ۲۱۰).

۳. طوسی، رجال، ص ۴۱۸.

۴. «حدیثنا جماعه من مشایخنا الثقات منهم جعفر بن محمد بن مالک الکوفی» (ابوعلی کوفی، الاستغاثه، ص ۹۰).

۵. نجاشی، رجال، ص ۲۶۶.

۶. افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۵۵.

۷. خوانساری، روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۹۱.

۸. نوری، خاتمه مستدرک، ص ۱۶۶.

۹. زراری، احمد بن محمد، رساله ابوغالب زراری، ص ۱۵۰ و نجاشی، رجال، ص ۱۲۲.

۱۰. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲ و ۳۹۷.

۱۱. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۲.

۱۲. طوسی، التهذیب، ج ۵، ص ۴۳۱.

۱۳. همان، الاستبصار، ج ۴، ص ۳۸.

سوم: مطالعه روایات فزاری نشان می‌دهد که گزارش‌های حدیثی او از مضامین بلند اعتقادی امامیه سرشار و از موافقت با عامه، قول به جبر، تفویض و غلو پیراسته است. گزارش ابوغالب در ابتدای رساله آل‌اعین از مشایخ خود نیز به روشنی بر صحت مذهب فزاری دلالت دارد.

### بررسی تضعیفات

اول: نجاشی، جعفر بن محمد را با عبارت «کان ضعیفا فی الحدیث» معرفی می‌کند. این عبارت اگرچه در زمره الفاظ ذم می‌گنجد؛ آن‌گونه که برخی رجالیان تذکر داده‌اند، دلیل بر قبح و فسق راوی نیست و به آداب اخذ حدیث و روایت کردن او مربوط می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین، منظور نجاشی از این‌که محمد بن مالک را در حدیث ضعیف دانسته است، به حصول اطمینان وی، در گزینش و نقل روایات باز می‌گردد.

دوم: هر چند ابن غضائری وی را به کذب و وضع در حدیث متهم کرده؛ برای چنین نسبتی هیچ دلیلی ذکر نکرده است تا بتوان با سنجش دلایل، اتقان آن را بررسی کرد. بسیاری چون مجلسی اول<sup>۲</sup>، مامقانی<sup>۳</sup>، نمازی شاهرودی<sup>۴</sup> و موحد ابطحی<sup>۵</sup> علت تضعیف را به گمان برخی، عبارت «روی فی مولد القائم اعاجیب» دانسته‌اند. این دلیل ناتمام است؛ زیرا اولاً، شکی نیست که همه امور حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام، بلکه تمامی معجزات انبیا عجیب است؛ ثانیاً، صدوق در کمال الدین و طوسی در الغیبه از او فراوان نقل کرده‌اند؛ ثالثاً، این خرده‌گیری‌ها از ابن غضائری عجیب نیست؛ رابعاً، شیخ طوسی نقل اعاجیب را نه برای ذم راوی، بلکه برای بیان وجه تضعیف فزاری از سوی قومی آورده است.<sup>۶</sup>

سوم: در مورد استثنای ابن ولید می‌توان گفت او احادیث کتاب نوادر الحکمه، از محمد بن

۱. مامقانی، مقباس الهدایه، ج ۲، ص ۴۶.
۲. مجلسی، روضه المتقین، ج ۱۴، ص ۳۳۹.
۳. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱۶، ص ۴۴.
۴. نمازی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۱۳.
۵. موحد ابطحی، تهذیب المقال، ج ۴، ص ۴۲۹.
۶. مجلسی، روضه المتقین، ج ۱۴، ص ۳۳۹.

احمد بن یحیی را با احادیث دیگر مقابله کرده و موارد مشکل و غیر قابل پذیرش برخی راویان را علامت گذاشته است. عدم پذیرش روایات جعفر بن محمد بن مالک می‌تواند به سبب نقل روایات تولد امام باشد.

در جمع بندی باید گفت، این شخص ثقة است؛ اما بر اساس گزارش نجاشی که وی را در حدیث ضعیف دانسته است، در نقل روایات وی باید دقت کرد و آن دسته از روایات او که با قراین دیگری پشتیبانی شود، مقبول است.

**الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّيْرَفِيِّ:** او ابومحمد حسن بن محمد بن سماعة کندی صیرفی است. نجاشی او را فقیه، ثقة و از شیوخ واقفه دانسته است که روایات فراوان دارد و بر وقف خود، تعصب داشته است.<sup>۱</sup>

**صَالِحِ بْنِ خَالِدٍ:** او صالح بن خالد بن ابی شعیب محاملی کناسی، از اصحاب امام کاظم ع است. نجاشی وی را کوفی و ثقة معرفی و سپس طریق خود را به کتاب این راوی ذکر کرده است.<sup>۲</sup> شیخ طوسی نیز او را در رجال خود توثیق می‌کند.<sup>۳</sup>

**يَمَانِ التَّمَارِ:** این راوی مهمل است و نام او در کتب ثمانیه رجالی ملاحظه نمی‌شود. برخی مانند مامقانی، محتوای همین روایت را دلیلی بر امامی بودن و حسن حال او شمرده‌اند. وی در مورد این راوی می‌گوید:

«در کتاب‌های رجال نامی از این راوی نیست؛ اما روایتش دلالت دارد که او شیعه اثنا عشری است و بعید نیست که حسن حالش از همین روایت استفاده شود؛ زیرا اگر قابلیت نصیحت از ناحیه امام را نداشت، حضرت او را به تقوا و تمسک به دینش نصیحت نمی‌کردند و من به همین دلیل این راوی را حسن می‌شمارم».<sup>۴</sup>

اما باید گفت، اولاً، با توجه به عبارت «کنا جلوسا عند ابی عبد الله ع» یمان تمار تنها مخاطب

۱. «من شیوخ الواقفة کثیر الحدیث فقیه ثقة و کان یعانده فی الوقف و یتعصب» (نجاشی، رجال، ص ۴۰).

۲. همان، ص ۴۵۶.

۳. طوسی، رجال، ص ۳۴۷.

۴. «و لکن لیس فی کتب الرجال ذکر الرجل و فی روایت هذہ دلالة علی کونه امامیا اثنی عشریا و لا یبعد استفادة حسن حاله ایضا من الخبر اذ لو لم یکن قابلاً لنصحہ لما نصحہ بالتقوی و التمسک بدینہ و آتی اعد الرجل لذلك من الحسان» (مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۳۳).



حاضر در این جلسه نبوده و ممکن است توصیه امام به تقوا و تمسک به دین، با عنایت به دیگر حاضران در مجلس بوده باشد؛ ثانيا، بر فرض که یمان تمار تنها مخاطب باشد، برای توصیه به تقوا و حفظ دین، حداقل دین‌داری کفایت می‌کند، چه آن که ممکن است افراد مخالف و عامه مردم مورد توصیه خدا و اهل بیت قرار گیرند؛ ثالثا، از محتوای روایتی که خود او نقل کرده است، نمی‌توان حسن حال او را استفاده کرد.

### جمع بندی

سند کلینی به دلیل مهمل بودن یمان تمار «ضعیف» است. از آن جا که یمان تمار، در سایر اسناد راوی مشترک بود، سند نعمانی<sup>۱</sup>، صدوق<sup>۲</sup> و شیخ طوسی<sup>۳</sup> نیز «ضعیف» ارزیابی می‌شود؛ اما با شواهد و قراین زیر می‌توان محتوای روایت را پذیرفت:

۱. محدثان بزرگ شیعه همچون کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی این روایت را نقل کرده‌اند؛
۲. منابع اصیل مهدوی، غیبت نعمانی، کمال الدین و غیبت طوسی روایت را گزارش کرده‌اند؛
۳. این روایت با شش طریق نقل شده است (کلینی و صدوق هر کدام دو طریق دارند)؛
۴. محتوای روایت با روح قرآن و سنت و باورهای شیعه همخوان است.

### بررسی محتوایی

محتوای حدیث، به دو بخش تقسیم شده است. در هر بخش، ابتدا برخی از واژگان و عبارات از لحاظ لغت و اصطلاح بررسی و سپس مضمون آن با سایر روایات سنجیده می‌شوند.

۱. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ صَالِحِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ يَمَانَ التَّمَّارِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۶۹).

۲. «حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ هَانِيَةَ التَّمَّارِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام» (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۷).

۳. «سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ هَانِيَةَ التَّمَّارِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام» (طوسی، الغيبة، ص ۴۵۵).

**عبارت اول:** «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ عَيْبَةً ائْتَمَسْتُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْحَارِطِ لِقَتَادٍ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيُّكُمْ يُنْسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ»

«خارط» اسم فاعل از «خرط» به کسی گفته می‌شود که چیزی را با دست خود بگیرد و دستش را از بالا به سمت پائین بر روی آن بکشد.<sup>۱</sup> «قتاد» بر وزن فَعَال، درختی دارای خارهای سوزنی شکل است.<sup>۲</sup> «خرط القتاد» برای انجام کارهای سخت و طاقت فرسا مثل شده است.<sup>۳</sup>

بخش اول حدیث، غیبت صاحب الامر را مطرح و مهم‌ترین چالش دوران غیبت را سختی دین‌داری معرفی می‌کند. حفظ دین در این زمان آن قدر دشوار است که به خرط القتاد تشبیه شده است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن یاد کردن از سختی دین‌داری در آخرالزمان، برادران خود در آن دوران را چنین وصف می‌کند: آن‌ها قومی هستند که با آن‌که مرا ندیده‌اند به من ایمان آورده و خداوند آنان و نام و نسبشان را قبل از تولدشان به من شناسانده است. بیان حضرت در قوت ایمان این برادران چنین است: «أَحَدُهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ حَرْطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْفَايِضِ عَلَى جَمْرِ الْعُضَا»<sup>۴</sup> ثابت ماندن یکی از آن‌ها بر دین خود، از تراشیدن درخت خاردار قتاد با دست در شب ظلمانی، دشوارتر است و یا مانند کسی است که پاره‌ای از آتش چوب درخت غضنا را در دست نگه دارد.» تشبیه دیگری در این روایت صورت گرفته است که سختی حفظ دین را واضح‌تر می‌کند و آن گرفتن زغال گداخته درختی معروف در کف دست است. پیش‌بینی حضرت برای آخرالزمان است که بازه زمانی وسیعی را شامل می‌شود؛ هرچند نمی‌توان این پیش‌بینی را فقط به دوره غیبت اختصاص داد؛ قرار گرفتن زمان غیبت در این بازه زمانی مسلم است و روایت سختی دین‌داری در زمان غیبت را نیز شامل می‌شود.

۱. «حَرَطْتُ الْوَرَقَ، أَي حَتَّيْتُهُ، وَ هُوَ أَنْ تَقْبِضَ عَلَى أَعْلَاهُ ثُمَّ تُرِيدُ عَلَيْهِ إِلَى أَسْفَلِهِ» (جوهری، الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۲۲).  
 ۲. «القاف و التاء و الدال أصلٌ صحيح، وَ هُوَ كَلِمَتَانِ: الْقَتَادُ: خَشَبُ الرَّحْلِ، وَ جَمْعُهُ أَقْتَادٌ وَ قُتُودٌ. وَ الْكَلِمَةُ لِأَخْرَى الْقَتَادِ: ضَرْبٌ مِنَ الْعِضَاءِ، لَيْسَ فِيهِ غَيْرُ هَذَا» (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۵۴) و «العِضَاءُ: كُلُّ شَجَرٍ لَهُ شَوْكٌ» (ازدی، کتاب الماء، ج ۳، ص ۹۰۵).  
 ۳. و مثل من أمثالهم: «دون ذلك حَرَطُ الْقَتَادِ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْقَتَادَ مَتَظَاهِرَ الشَّوْكِ لَا يُسْتَطَاعُ لَمْسُهُ وَ لَا حَرْطُهُ» (ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۵۸۷).  
 ۴. صَفَّار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۸۴.

پیامبر ﷺ در روایت دیگری سختی دینداری را پیش بینی کرده‌اند:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَائِضِ عَلَى الْجَمْرِ،<sup>۱</sup> زمانی بر مردم خواهد گذشت که از بین آنان، کسی که بخواهد بر دینش صبر کند، مانند کسی است که آتش در کف گرفته است.» همین مضمون در منابع اهل سنت از پیامبر ﷺ چنین نقل شده است: «فَإِنَّ مِنْ وِرَائِكُمْ أَيَّامَ [الصَّبْرِ]، الصَّبْرُ فِيهِ مِثْلُ قَبْضِ عَلِيٍّ عَلَى الْجَمْرِ...<sup>۲</sup>؛ در پیش روی شما روزگاری است که صبر در آن ایام، همانند آتش به کف گرفتن است.»

جمله انتهایی این عبارت، چنین است: «فَأَيُّكُمْ يُنْسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ؛ کدام يك از شما می‌تواند خار آن درخت را در دستش نگهدارد؟!». استفهام انکاری این جمله، به طور ضمنی بر عدم تحمل دین داران زمان امام صادق عليه السلام و مومنان صدر اسلام اشاره دارد. در مقایسه بین دین داران صدر اسلام با دین داران زمان غیبت، صبر و تحمل ثابت قدمان در زمان غیبت، برتر و پنجاه برابر معرفی گردیده است. امام صادق عليه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت از قومی در آینده سخن گفته‌اند که هر یک از آن‌ها اجر پنجاه صحابی را دارد. وقتی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله تعجب می‌کنند و حضور خود را در غزوه بدر و احد و حنین و نزول قرآن در بین آنان یادآور می‌شوند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله این چنین پاسخ می‌دهد: «إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمِلُونَ لِمَا حَمَلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ، اگر بار گرانی که بر دوش آنان است، بر دوش شما نهاده می‌شد، شما تحمل و صبر آن‌ها را نداشتید.»<sup>۳</sup>

**عبارت دوم:** «ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ» «اطراق» به معنای سکوت کردن، سخن نگفتن و چشم به زمین دوختن آمده است.<sup>۴</sup> «ملیاً»

۱. طوسی، امالی، ص ۴۸۵.

۲. ابی داوود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۳۳۲، ح ۴۳۴۱.

۳. طوسی، الغیبه، ص ۴۵۶ و ۴۵۷.

۴. «أَطْرَقَ الرَّجُلُ، إِذَا سَكَتَ فَلَمْ يَتَكَلَّمْ. وَأَطْرَقَ، أَيْ أَرَخَى عَيْنَيْهِ يَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ» (جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۵۱۵) و «إِذَا سَكَتَ وَ لَمْ يَتَكَلَّمْ. وَأَطْرَقَ رَأْسَهُ أَيْ أَمَالَهُ وَ أَسْكَنَهُ. وَ أَطْرَقَ الرَّجُلُ أَيْ أَرَخَى عَيْنَهُ يَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ» (طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۰۶).

ظرف زمان و به مدت طولانی که حد مشخصی ندارد، گفته می‌شود.<sup>۱</sup> در نهایت «أُظِرَّقَ مَلِيًّا»؛ بدان معناست، در حالی که به زمین نگاه داشت، مدت طولانی سکوت کرد.

در مورد ضمیر «بِدِينِهِ» دو احتمال داده می‌شود: احتمال اول آن که ضمیر به «عَبْدٌ» برگردد؛ همان طور که ضمیر در فعل امر «وَلْيَتَمَسَّكَ» به «عَبْدٌ» بر می‌گردد؛ احتمال دوم این که ضمیر به «صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»، یعنی امام برگردد. احتمال اول قوی‌تر است؛ چرا که بر اساس قاعده «الأقرب يمنع الأبعد» مرجع ضمیر، نزدیک‌ترین است.

برخی شارحان تمام بخش دوم (فَلْيَتَمَسَّكَ اللَّهُ عَبْدٌ وَ لْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ) را تاکید بخش اول روایت می‌دانند که بر سختی دین‌داری در دوران غیبت اشاره دارد؛<sup>۲</sup> ولی به نظر می‌رسد این قسمت به دو راهبرد مهم تقوای الهی و تمسک به دین برای مصونیت و رهایی بندگان از انحرافات است. رمز تقدم رعایت تقوا بر تمسک به دین آن است که در زمان غیبت، تمسک به دین حق، بدون رعایت تقوا امکان‌پذیر نیست و برای تمسک به دین، تقوایی نیاز است که نفس را به تحمل سختی‌ها و مشقات وادار کند.<sup>۳</sup>

این راهبردها در سخنان معصومان به شکل‌های مختلف مورد تاکید قرار گرفته است:

امام صادق عليه السلام در روایت دیگری به لزوم تقوا در دوران غیبت با تعبیر «ورع» اشاره دارند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ کسی که دوست دارد از اصحاب قائم عليه السلام باشد، باید منتظر بماند و در حالی که انتظار می‌کشد به ورع و محاسن اخلاق عمل کند.»<sup>۴</sup>

امام رضا عليه السلام به واسطه اجداد طاهربینش عليه السلام، از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله کلامی نقل می‌کنند که در آن، ضرورت تمسک به دین در دوران غیبت با توضیحات بیش‌تری تبیین شده است:

«فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَ لَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ (يشکته) فَيُرِيَهُ عَنْ مِلَّتِي وَ

۱. «مدة طويلة لا حد لها» (طریحی، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۳۹۷).

۲. «ثم أعاد الكلام تأكيدا» (مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۳۴).

۳. «امر أولا باتقاء الله تعالى لان التمسك بدین الحق حينئذ لا يمكن بدون التقوى الحاملة للنفس على الصبر و تحمل المشاق و تجرع المكاره» (مازندرانی، شرح کافی، ج ۶، ص ۲۲۸).

۴. نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۰.

يُخْرِجُهُ مِنْ دِينِي؛ کسی که زمان قائم را درک کند، باید به دین خود چنگ زند و برای شیطان راهی قرار ندهد که او را به شک اندازد و او را از آیین من زایل و از دین من خارج کند.»<sup>۱</sup>

گاهی نیز روایات علاوه بر توضیح ضرورت تمسک به دین، به موضوع خروج گروهی از دین و ثبات قدم گروهی دیگر در دوران غیبت می‌پردازند تا تهدیدها و فرصت‌های دین‌داری در زمان غیبت و مصداق تمسک به دین واضح شود. به روایت ذیل توجه کنید:

امام حسین علیه السلام از غیبتی برای نهمین فرزندشان سخن می‌گویند که در آن زمان گروهی مرتد می‌شوند و گروهی دیگر در دین ثابت قدم می‌مانند: «لَهُ غَيْبَةٌ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَنْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخَرُونَ فَيُؤْذُونَ وَيُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.» حضرت از آزارها و تکذیب‌هایی برای استقامت‌کنندگان در دین خبر داده و به صابران در این مسیر چنین مژده می‌دهند: «أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَدَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ صبر کننده بر آزارها، اجر مجاهدان در زمان رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دارند.»<sup>۲</sup> در این روایت، از گروهی که در مقابل منحرفان از دین قرار گرفته‌اند، به «ثابت قدمان در دین» تعبیر کرده است. ثابت قدمان، همان تمسک‌کنندگان به دین هستند که در مسیر دین‌داری پایداری می‌ورزند.

امام کاظم علیه السلام نیز نسبت به زمان امامت پنجمین فرزند خود، حضرت مهدی علیه السلام همین تذکر را داده‌اند: «يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَنْبُتُ فِيهَا آخَرُونَ؛ در زمان غیبت اقوامی مرتد می‌شوند و گروهی ثابت قدم می‌مانند.» ایشان در ادامه به شیعیانی که به ریسمان اهل بیت علیهم السلام تمسک کرده، در مسیر موالات اهل بیت ثابت قدم مانده‌اند، مژده می‌دهند: «طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا النَّاتِيَةِ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا...»<sup>۳</sup> از ضمیمه کردن دو روایت به یکدیگر مشخص می‌شود تمسک‌کنندگان به دین و ثابت قدمان در دین در زمان غیبت، همان شیعیانی هستند که به ریسمان اهل بیت علیهم السلام تمسک کنند.

مصداق تمسک به دین در روایت دیگری، عینی‌تر شده، به ثابت قدمان بر امر اهل بیت علیهم السلام

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۵۱.  
 ۲. همان، ص ۳۱۷.  
 ۳. همان، ص ۳۶۱.

در زمان غیبت، چنین مژده داده است: «طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزَعْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهُدَايَةِ؛ خوشا به حال کسانی که در زمان غیبت قائم ما به امر ما تمسک کنند و پس از هدایت قلبش منحرف نشوند.»<sup>۱</sup> عدم انحراف قلب آنان و بر طریق هدایت بودن شان، تأیید دینداری آنان است.

جابر از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَيَا طُوبَى لِّلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ؛ زمانی بر مردم می‌آید که امامشان از آن‌ها غایب می‌شود. پس خوشا به حال ثابت‌قدمان بر امر ما در آن زمان!»<sup>۲</sup> در ادامه، حضرت به پاداش ثابت‌قدمان اشاره می‌فرماید.

در کنار خطری که دین داران زمان غیبت را تهدید می‌کرد و به آن اشاره شد، زبان تشویقی مبتنی بر کاربست واژه «طوبی...»؛ گویای فرصت‌ها و امتیاز ثابت‌قدمان در دین‌داری است.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۵۸.

۲. همان، ص ۳۳۰.

## نتیجه‌گیری

روایت حاضر دارای چهار طریق است که همه طرق آن در بخش پایانی «مشترک» و «ضعیف» است؛ اما محدثان بزرگ شیعه، از جمله صاحبان جوامع حدیثی این روایت را نقل کرده‌اند. محتوای روایت با تاکید بر سختی دین‌داری در عصر غیبت، به رعایت پرهیزکاری و تمسک به دین توصیه می‌کند. منظور از تمسک به دین، چنگ زدن به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و ثابت ماندن در مسیر هدایتی معصومان علیهم‌السلام است که از تعابیر دیگر روایات استفاده می‌شود. کسانی می‌توانند از سختی دین‌داری و ابتلائات دوران غیبت سربلند بیرون آیند که محکم و استوار به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام تمسک کنند و قلوبشان منحرف نشود. از روایاتی که گروهی را مرتد و گروهی دیگر را نجات یافته می‌داند، این نکته برداشت می‌شود که خطر خروج از دین برای کسی که تقوای الهی را رعایت نکند و متمسک به دین نباشد، جدی است.

## منابع

۱. ابن بابويه، علی بن حسین، *الإمامة و التبصرة من الحيرة*، مدرسة الامام المهدي عنه السلام و رحمة الشرف، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن فارس، أحمد بن فارس، *معجم مقاييس اللغة*، مكتب الاعلام الاسلامي، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، چاپ سوم، بيروت، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن الغضائري، احمد بن حسين، *الرجال لابن الغضائري*، دار الحديث، چاپ اول، قم، ۱۳۶۴.
۵. ابو الصلاح الحلبي، تقى بن نجم، *تقريب المعارف*، الهادي، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ق.
۶. ابى داود، سليمان بن اشعث، *سنن أبى داود*، دار ابن حزم، چاپ اول، بيروت، ۱۴۱۸ق.
۷. جوهرى، اسماعيل بن حماد، *الصحاح*، دار العلم للملايين، چاپ اول، بيروت، ۱۴۱۰ق.
۸. حلى، حسن بن يوسف، *خلاصة الأقوال فى معرفة أحوال الرجال*، المطبعة الحيدرية، چاپ دوم، نجف، ۱۳۸۱ق.
۹. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، دار القلم، چاپ اول، بيروت، ۱۴۱۲ق.
۱۰. صدوق، محمد بن على، *كمال الدين و تمام النعمة*، انتشارات اسلاميه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵.
۱۱. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، مكتبة آية الله المرعشى النجفى، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۲. طريحي، فخرالدين بن محمد، *مجمع البحرين*، مرتضوى، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵.
۱۳. طوسى، محمد بن الحسن، *اختيار معرفة الرجال (رجال كشى)*، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ق.
۱۴. \_\_\_\_\_، *الأمالى*، مؤسسة البعثة، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۵. \_\_\_\_\_، *الغنية*، دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۶. \_\_\_\_\_، *رجال طوسى*، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسین، قم، ۱۴۲۷ق.
۱۷. فيروز آبادى، محمد بن يعقوب، *القاموس المحيط*، دار الكتب العلميه، چاپ اول، بيروت،



۱۴۱۵ق.

۱۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امیرالمومنین، چاپ اول، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۰. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی الاصول والروضه، المكتبة الاسلاميه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲ق.
۲۱. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۳۱ق.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار (ط - بیروت)، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۴ق.
۲۴. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، انصاریان، چاپ سوم، قم، ۱۴۲۶ق.
۲۵. نباتی البیاضی، علی بن محمد، صراط المستقیم، المكتبة الحیدریة، چاپ اول، نجف، ۱۳۸۴ق.
۲۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ ششم، قم، ۱۳۶۵.
۲۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، نشر صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ق.
۲۸. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، فرزند مولف، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۴ق.